

Vol. 1, Series. 2,
No. 2 Autumn & Winter
112-135

The Jurisprudential Ruling on Non-Muslims Entering Muslim Religious Sites and Its Implications for Religious Tourism: Challenges and Solutions

Doi: 10.22034/pt.2025.214548

■ Ayoub Shafeipour

Researcher of Islamic jurisprudence and law

Email: Ayoubshafei@yahoo.com

ORCID ID: 0000-0002-7290-9876



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

Abstract

Muslim holy sites, especially mosques, have long been major tourist attractions due to their architectural beauty, grandeur, and diversity. However, since some Muslim jurists and Islamic jurisprudence, in general, do not permit non-Muslims to enter these religious sites, a key question arises: Given that some non-Muslim tourists choose Muslim nations and their religious sites-such as pilgrimage sites and shrines-as their travel destinations, and considering the significant economic benefits of religious tourism, what measures should be taken to address the restriction on their entry while adhering to Sharia law? This study, using a

library-based research method, examines and analyzes Islamic jurisprudence to provide answers and solutions to this issue. The findings suggest that early jurists' prohibition of non-Muslims entering religious sites was primarily a governmental ruling in early Islam, issued in specific contexts-such as during the Hajj pilgrimage and for entry into the Masjid al-Haram and Masjid al-Nabi-particularly concerning warring disbelievers. This ruling, therefore, was context-specific and should not be extended as a general prohibition. Considering Quranic verses that promote peace, non-compulsion in religion, and kindness toward non-hostile non-Muslims, along with certain jurisprudential principles, the study argues that non-Muslims may be permitted to enter religious sites under specific conditions. These conditions include not being from hostile factions, dressing appropriately, and showing due respect for the sanctity of the place. In conclusion, contemporary juristic rulings (fatwas) largely support this permissibility under such conditions.

Keywords: tourists, non-Muslims, religious sites, challenges, solutions, Islamic jurisprudence, Islamic



دوفصلنامه الهیات عملی
سال ۱/ شماره ۲/ شماره پیاپی ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳
۱۱۲ - ۱۳۵

حکم فقهی ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان و تأثیر آن بر گردشگری مذهبی «چالش‌ها و راهکارها»

Doi: 10.22034/pt.2025.214548

■ ایوب شافعی پور

پژوهشگر فقه و حقوق اسلامی

رایانامه: Ayoubshafei@yahoo.com



سال اول/ شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

چکیده

اماکن مقدس و مذهبی مسلمانان، به‌خصوص مساجد، به‌دلیل زیبایی، شکوه و تنوع در معماری، همواره مقصد برخی گردشگران بوده است. حال با توجه به اینکه در فقه اسلامی و نزد برخی فقه‌های مذاهب اسلامی ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان جایز نیست، سؤالی که پیش می‌آید این است که برخی گردشگران غیرمسلمان، کشورهای مسلمان و اماکن مذهبی آنان مانند مساجد، زیارتگاه‌ها و بارگاه‌ها را مقصد گردشگری خود انتخاب می‌کنند. از یک‌طرف، باید از این سرمایه بزرگ گردشگری استفاده کرد و از طرف دیگر، باید به معارف اسلامی پایبند بود، چه باید کرد و چگونه این چالش را حل نمود؟ این پژوهش با تکیه بر توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی و روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به پرسش مذکور و ارائه راهکار برای این موضوع برآمده است و این

نتیجه رسیده است که آنچه فقهای متقدم مبنی بر عدم جواز ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان بیان کرده‌اند، صرفاً یک حکم حکومتی در صدر اسلام در ایام حج و مسجدالحرام و مسجدالنبی بوده که این منع، شامل کفار حربی می‌شده است و می‌توان گفت که این حکم خاص بوده و قابلیت سرایت به عام ندارد و با توجه به برخی آیات قرآن مبنی بر دعوت به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز، عدم اجبار در دین، نیکی با برخی غیرمسلمانان غیرمتجاوز و نظر به برخی قواعد فقهی و با عنایت و امید به اینکه ممکن است برخی از این گردشگران غیرمسلمان در هنگام بازدید از این اماکن مذهبی، به اسلام روی آورند، می‌شود حکم به جواز ورود غیرمسلمانان به این اماکن مذهبی — با رعایت شروطی مانند کافر حربی نبودن گردشگر، پوشش و ظاهر مناسب و حفظ احترام و شئون آن اماکن — را داد که فتاوی‌های معاصر نیز مؤید همین است.

کلیدواژه‌ها: گردشگران، غیرمسلمان، اماکن مذهبی، چالش‌ها، راهکارها، فقه اسلامی، مذاهب اسلامی.



مقدمه

در عصر حاضر با توجه به پیشرفت فوق‌العاده بشر در عرصه فناوری و درنهایت، استفاده از آن برای ساخت وسایل پیشرفته و سریع در همه امور از جمله حمل‌ونقل، باعث ساخته‌شدن وسایل حمل‌ونقل بسیار پیشرفته و سریع مانند هواپیما، قطارهای سریع‌السیر، کشتی‌های تندرو و غیره شده است و همین امر مشوقی برای سفرهایی شده است تا مردم بتوانند در کمترین زمان، به هر جا از این کره خاکی که تمایل داشتند، سیاحت کنند. امروزه گشت‌وگذار در اقصی نقاط دنیا، با عنوان «گردشگری» در اکثر کشورها، به‌صورت بسیار منظم و برنامه‌ریزی‌شده درآمد و افراد راحت‌تر و امن‌تر از همیشه می‌توانند به مقاصد گردشگری خود سفر کنند. گردشگری امروزه معنای گسترده‌تری پیدا کرده و زیرشاخه‌های متعددی دارد، مانند گردشگری مذهبی، گردشگری اقتصادی، گردشگری فرهنگی و هنری و غیره که در هر کدام از آنها فرد یا گروهی، هدف خاصی از گردش و سیاحت را دنبال می‌کند.

سفرهای مذهبی به اماکن مقدس، قدیم‌ترین و رایج‌ترین نوع سفر در طول تاریخ بشر است (تیموتی و السن، ۱۳۹۲، ص. ۵۷). در گردشگری مذهبی — که موضوع پژوهش ماست — افراد یا گروهی به قصد بازدید از اماکن تاریخی و مذهبی و مقدس برخی ادیان، به مناطقی سفر می‌کنند. حال ممکن است این اماکن مساجد و زیارتگاه‌های مسلمانان باشد یا کلیسا و کنیسه‌های غیرمسلمانان و معابد اهل کتاب.

حال که امروزه اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی مورد توجه گردشگران غیرمسلمان قرار گرفته است، کشورهای اسلامی باید از این ظرفیت فوق‌العاده برای رونق اقتصادی و فرهنگی خود استفاده کنند و علاوه بر درآمدزایی و ایجاد اشتغال، فرهنگ اسلامی را به غیرمسلمانان به نحو احسن بشناسانند و از این فرصت برای تبلیغ دین مبین اسلام استفاده کنند. چالشی که ممکن است در نگاه اول پیش روی گردشگری مذهبی در کشورهای مسلمان باشد، وجود برخی احکام است که باوجود آن، دیگر نتوان به‌درستی از این ظرفیت گردشگری مذهبی استفاده کرد، مانند ممنوعیت ورود غیرمسلمانان به دیار مسلمانان و اماکن مذهبی و عبادی مسلمانان.

درحالی‌که بسیاری از ملل مسلمان به گسترش گردشگری جهانی تمایل نشان می‌دهند و در عمل نیز این نوع گردشگری در حال افزایش است، چالش‌های بسیار مهمی درمورد سنت‌های فرهنگی و شیوه‌های زندگی مسلمانان پیش روی آنها قرار دارد (تیموتی و السن، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۷).

به نظر می‌رسد جست‌وجویی دوباره و کاوشی نو در فقه اسلامی می‌تواند گره‌گشای این چالش باشد. این پژوهش، با استفاده از توصیف و تحلیل مبانی و گزاره‌های فقه مذاهب مختلف اسلامی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای سعی در ابهام‌زدایی از این موضوع کرده است و به بررسی احکام فقهی ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان پرداخته است و درنهایت، با خوانشی دوباره و کاوشی نو در مبانی فقهی و فتاوای فقها، حکمی برای ورود غیرمسلمانان در نظر گرفته است که از یک طرف، بتوان به‌نحو احسن از ظرفیت گردشگری مذهبی در کشورهای اسلامی استفاده کرد و بهره برد و از طرف دیگر، به معارف اسلامی پایبند بود.

از آنجا که در گردشگری مذهبی زائر و بازدیدکننده همواره به دنبال یک سفر سرشار از معناست و به‌نوعی دنبال تجربه عرفانی، معنوی و دینی هستند (همانجا)، برداشتن موانع شرعی گردشگری مذهبی برای غیرمسلمانان در کشورهای اسلامی، جدای از دستاوردهای اقتصادی، از تأثیر سکولاریسم می‌کاهد.



در این پژوهش، ابتدا به مفهوم گردشگری و سپس به انواع غیرمسلمان پرداخته می‌شود. سپس درباره حکم ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان مانند مسجدالحرام، مسجدالنبی و دیگر مساجد و حرم امامان بحث، و قول مختار و برگزیده بیان خواهد شد و در پایان نیز، پیشنهادهایی برای هرچه بهتر شدن بازدید گردشگران غیرمسلمان از اماکن مذهبی مسلمانان داده خواهد شد.

با جست‌وجو در پژوهش‌های انجام‌شده، به‌رغم تلاش پژوهشگر، پژوهش مستقلی در این موضوع یافت نشد. باوجوداین، برخی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این موضوع، قرابت‌هایی دارند که می‌تلبد وجوه تشابه یا تمایز آن با این پژوهش بیان گردد:

۱) کتاب گردشگری/ از منظر قرآن و حدیث، نوشته رحیم قربانی (نشر المصطفی، ۱۴۰۰)، کتابی است که نویسنده در آن آیات قرآنی و روایات شیعه درمورد سیر و گردش را صرفاً جمع‌آوری نموده و هیچ تحلیل و توضیحی از سوی مؤلف ارائه نشده و گردآوری محض است. ۲) کتاب گردشگری/ اسلامی نوشته مهدی جمالی‌نژاد (نشر آرما، ۱۳۹۵)، که به بحث گردشگری اسلامی و بررسی صنعت گردشگری بین کشورهای اسلامی پرداخته و جدا از اینکه بیشتر سعی در ارائه آمار گردشگران مسلمان در کشورهای اسلامی در سال‌های اخیر داشته، هیچ اشاره‌ای به گردشگری غیرمسلمانان و همچنین مباحث فقهی نداشته است.

۳) مقاله «تحلیل و بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در ایران»، نوشته عبدالله زندی‌فر و دیگران (فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳۹۸)، که در پاسخ به این پرسش نوشته شده است که آیا ورود اولیه غیرمسلمانان به کشورهای اسلامی و اقامت آنان در آنجا امکان‌پذیر است یا خیر؟ و هدف پژوهشگر روشن‌شدن حکم ورود غیرمسلمانان به بلاد اسلامی از منظر فقه شیعه و حقوق ایران است و هنوز به حکم ورود آنان به اماکن مذهبی مسلمانان نرسیده است. با توجه به عنوان و دغدغه نویسندگان، پژوهش مذکور ارتباطی به این پژوهش نداشته و قرابتی با آن دارد، زیرا هرکدام حکم پرسش متمایز و احکام جداگانه‌ای را بررسی کرده‌اند.

۴) مقاله «چالش‌های فقهی - حقوقی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی»، نوشته سیدعلیرضا میرکمالی و دیگران (مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۴)، که در مقایسه با نوشته‌های پیشین از قرابت بیشتری با این پژوهش برخوردار است، بعد از بررسی حکم ورود غیرمسلمانان به کشور اسلامی و حضور در گستره آن، به ورود غیرمسلمانان به مساجد از منظر فقه شیعه امامیه پرداخته و در بخش بعدی در چند سطر و بسیار مختصر به ورود غیرمسلمانان به سایر اماکن مذهبی اشاره داشته است و در پایان به این نتیجه



رسیده است که هیچ‌گونه منعی برای ورود غیرمسلمانان به کشورهای اسلامی و اقامت و گردش در آن وجود ندارد مگر برای کفاری که حربی هستند و در ورود غیرمسلمانان به مساجد منعی وجود ندارد مگر مشرکین که به حکم قرآن از ورود به مسجدالحرام منع شده‌اند. هرچند نتایج فقهی مقاله مذکور در بحث ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان تقریباً با این پژوهش همسو است، پژوهش ما به دلیل بحث و بررسی تطبیقی بین مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) و شیعه امامیه و زیدیه و مذاهب اباضیه و ظاهریه از نوآوری برخوردار بوده و همچنین ارائه راهکارهایی برای مدیریت ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان به نوآوری مقاله در مقایسه با مقاله مذکور و دیگر مقالات افزوده است.

مفهوم‌شناسی گردش، گردشگر و گردشگری

در زبان و ادبیات فارسی کلمه گردشگری از واژه «گردش» گرفته شده که این واژه به معنای گردیدن، حرکت کردن، دورزدن و چرخیدن است (معین، ۱۳۸۶، ج. ۲، ص. ۳۴۶؛ عمید، ۱۳۸۹، ص. ۸۶۸).

در لغت و ادبیات عرب از گردشگری با عنوان «السیاحه» یاد شده است. السیاحه از ریشه «س ی ح» و به معنای جاری شدن و روان بودن آب است (فراهیدی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۷۲). در لسان‌العرب از سیاحت سیرکردن بر روی زمین به قصد عبادت و جنگ و جهاد تعبیر شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۲، ص. ۴۹۲). در المعجم الوسیط به معنای انتقال از سرزمینی به سرزمین دیگر به قصد پیاده‌روی، شناسایی و تشخیص آمده است (بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۷). اما با دقت در کتاب‌های لغت و متون دانشمندان ادبیات عرب سیاحت به معنای مطلق رفتن و گشتن بر روی زمین به کار رفته و آنچه در معنای گشت‌وگذار و رفتن به قصد اعمال عبادی مانند نماز، حج، جهاد و غیره به کار رفته، نوعی قید شرعی است که دانشمندان اسلامی به آن اضافه کرده‌اند و می‌شود گفت تعریف اصطلاحی سیاحت در اسلام است. در قرآن کریم نیز این واژه به معنای مطلق رفتن و گشتن آمده است: «فَسِیْجُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ؛ پس آزادانه چهار ماه در زمین بگردید» (توبه، ۲، ۱۴۴۵ق).

در اصطلاح علما و اندیشمندان اسلامی و با کنکاش و تحقیق در متون اسلامی، سیاحت و گردشگری در اسلام به صورت مقید به کار رفته و می‌شود این تعریف از گردش و گردشگری را از نگاه متون اسلامی برداشت کرد: سیر و گشتن در زمین به قصد انجام برخی اموری عبادی که اسلام بر آن تأکید کرده است، مانند حج، زیارت مساجد سه‌گانه (مسجدالحرام،



مسجدالنبی، مسجدالاقصی)، صلۀ رحم، تفکر در خلقت خدا، جهاد و جنگ در راه خدا، کسب علم، درمان، تجارت و کسب روزی.

در اصطلاح دانشمندان و کارشناسان گردشگری نیز تعاریف مختلفی از گردش و گردشگری ارائه شده است. برای مثال، «مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی مستقیم یا غیرمستقیم که نتیجهٔ رفت‌وآمد مردم به اقلیم یا وطنی دور از وطن اصلی است که این فعالیت‌ها شامل خدماتی است که یک نفر یا گروه در طول مدت اقامت — مانند اسکان و غذا — بدان نیازمند است» (خمیس‌الزوکۀ، ۱۹۹۷، ص. ۳۹).

به نظر می‌رسد این تعریف، تعریفی مطلق و جامع برای گردشگری نباشد و بیشتر ناظر بر امور اقتصادی گردشگری است.

اما به نظر می‌رسد تعریفی که در کنفرانس بین‌المللی سفر و گردشگری در سال ۱۹۶۳ در رُم برگزار شد، تعریفی جامع باشد: «شخصی که شهر یا کشوری را غیر از شهر یا کشور خودش زیارت می‌کند و هدفش از آن سفر و گشت‌وگذار، کار و کسب درآمد نیست» (خمیس‌الزوکۀ، ۱۹۹۷، ص. ۴۱).

در هر صورت، با توجه به آنچه علما و کارشناسان گردشگری ابراز داشته‌اند، می‌شود گردشگر را این‌گونه نیز تعریف کرد: «گردشگر کسی است که با هر هدفی قصد سفر به هر مکانی را داشته باشد به‌جز سفر برای ماندن و کار کردن» (روبی، بی‌تا، ص. ۲۰).

انواع غیرمسلمان

در فقه شیعه کفار به چهار دستهٔ اهل کتاب، مشرکان، مادیون و فرق و گروه‌های محکوم به کفر مانند مرتدین و منکران ضروریات دین تقسیم می‌شوند.

اهل کتاب پیروان دیگر ادیان آسمانی هستند که پیامبر و کتاب آسمانی دارند، مانند یهودیان و مسیحیان.

در اینکه زرتشتیان هم جزو اهل کتاب هستند یا خیر، بین فقهای شیعه اختلاف وجود دارد. برخی آنان را اهل کتاب و برخی دیگر آنان را اهل کتاب نمی‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۶، ص. ۴۲).

نزد فقهای اهل سنت غیرمسلمانان به صورت‌های مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند. گروهی آنان را براساس عقیده، گروهی دیگر از حیث التزام آنها به احکام اسلامی و عده‌ای هم از حیث محل سکونت و نظایر آن تقسیم‌بندی کرده‌اند.



۱. اصناف غیرمسلمانان از حیث عقیده

غیرمسلمانان از این حیث بر دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: کفار اصلی و کفار غیراصلی (ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج. ۹، ص. ۳۲۸؛ نووی، بی‌تا، ج. ۱۶، ص. ۲۳۳). هرکدام از این دو خود، به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند:

۱-۱. کفار اصلی

کفار اصلی به کسانی گفته می‌شود که در حین تولد مسلمان نبوده‌اند و شامل سه قسم‌اند: **الف) قومی که دارای کتابی آسمانی هستند:** کسانی که به دینی الهی انتساب دارند و کتابی از کتاب‌های آسمانی را در اختیار دارند. به این گروه اهل کتاب گفته می‌شود. به اتفاق علمای اسلام، یهودیان و مسیحیان که دارای کتاب‌های تورات (برای یهود) و انجیل (برای مسیحیان) هستند، اهل کتاب به شمار می‌آیند (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج. ۴، ص. ۱۹۲-۱۹۳)؛ ولی در غیر از این دو، در دیدگاه فقها اختلافاتی وجود دارد که آنها را به دو گروه تقسیم می‌کند:

گروه اول: شامل حنفیه، گروهی از شافعیه و قاضی الفراء از حنابله (زیلعی، ۱۳۱۳ق، ج. ۲، ص. ۱۱۰؛ مزنی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۷۰؛ ابن‌الفراء، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۵۴) که معتقدند اهل کتاب به کسانی گفته می‌شود که به دینی آسمانی معتقدند و برای آنها کتابی آسمانی نازل شده است، مانند کتاب‌های ابراهیم، شیث و زبور داود.

پس با توجه به دیدگاه این گروه، همه اینها اهل کتاب به شمار می‌روند و احکام اهل کتاب نیز برای تمام آنها جاری می‌گردد.

گروه دوم: شامل شافعیه و حنابله (رملی، ۱۴۰۴ق، ج. ۶، ص. ۲۹۰؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج. ۹، ص. ۳۲۹) که معتقدند اهل کتاب فقط یهودیان و مسیحیان هستند، یعنی اهل کتاب تورات و انجیل و کسی که به دین آنها پایبند باشد، مانند قوم سامری که تورات را پذیرفته‌اند و به شریعت موسی آگاه بودند ولی در فرعی از فروع دین او مخالفت کردند. همچنین، فرقه‌های مسیحی از جمله یعقوبیه، نسطوریه، مَلِکیه، فِرْنُج، روم و... که به کتاب انجیل ایمان داشتند و به شریعت او عمل می‌کردند. پس کسانی که جدا از این موارد باشند از اهل کتاب نیستند.

ب) قومی که برای آنها شبهه وجود کتاب آسمانی وجود دارد: کسانی هستند که در اینکه برای آنها کتاب آسمانی نازل شده یا نه، شبهه دارند، مانند صائبی‌ها و مجوسیان.

ابوحنیفه معتقد است که صابئین و مجوسیان اهل کتاب هستند ولی ابویوسف و محمد شیبانی، از شاگردان او، آنها را اهل کتاب نمی‌دانند (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج. ۲، ص. ۲۷۱؛ عینی، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۴۴). شافعی درمورد صابئین تردید کرده است و در جاهایی آنها را در



شمار مسیحیان قرار داده است و در جاهای دیگر درمورد آنها سکوت کرده است. از احمدبن حنبل نیز روایت‌های زیادی وجود دارد که در جاهایی صابئین را از مسیحیان برشمرده و در جاهای دیگر جدا از مسیحیان قرار داده است (ابن‌قدامة، ۱۳۸۸ق، ج. ۹، ص. ۳۲۹). درمورد مجوسیان، گروهی آنان را اهل کتاب ندانسته‌اند (ابن‌حزم، بی‌تا، ج. ۹، ص. ۴۴۸؛ زیدان، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۵). ظاهریه معتقدند که آنان اهل کتاب هستند (رملی، ۱۴۰۴ق، ج. ۶، ص. ۲۹۰؛ ابن‌قدامة، ۱۳۸۸ق، ج. ۹، ص. ۳۳۰؛ ابن‌حزم، بی‌تا، ج. ۹، ص. ۴۴۸).

ج) قومی که کتاب آسمانی ندارند و شبهه وجود کتاب آسمانی نیز برای آنها وجود ندارد: منظور کسانی هستند که کتاب آسمانی برای آنان نازل نشده است و همچنین در اینکه آیا کتابی برای آنها نازل شده یا نه، شبهه‌ای وجود ندارد و قطعاً کتابی بر آنان نازل نشده است، مانند مشرکین و دهریون.

مشرکین کسانی هستند که در ربوبیت و الوهیت شریکی را برای الله قرار می‌دهند. شرک در تضاد با توحید قرار دارد (زیدان، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۶).

۲-۱. کفار غیراصلی

رجوع از دین و ایمان یا به عبارتی، ارتداد آن است که پس از آنکه فرد با اقرار به شهادتین دین اسلام را اختیار کرد و ملتزم به احکام شهادتین شد، کفر را برگزیند (زیدان، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۳۴). کسانی که در حین تولد مسلمان بوده‌اند، سپس از اسلام روی برگرداندند که به این افراد مرتد گفته می‌شود.

۲. اصناف غیرمسلمانان از حیث التزام به احکام اسلامی

اصناف غیرمسلمانان از این حیث بر سه قسم‌اند:

۱-۲. ذمیین: ذمه در لغت از ماده «ذ م م» بوده و در اصل به معنای سرزنش کردن است و ذمه را از آن جهت ذمه می‌گویند که درصورت عدم وفا، مورد سرزنش قرار می‌گیرد. پس ذمیون یا اهل ذمه یعنی اهل امری که درصورت عدم وفاداری باعث ملامت می‌شود و به اهل ذمه، اهل عقد نیز گفته می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۱۲، ص. ۲۲۰). پس ذمیون به غیرمسلمانانی گفته می‌شود که به دلیل عهده‌ای که با مسلمانان بسته‌اند مجازند که در پناه حکومت اسلامی به طور دائم زندگی کنند و از حقوق نیز بهره‌مندند (سرخسی، ۱۹۷۱، ج. ۱، ص. ۲۰۹؛ بهوتی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۱۱۶). البته، در این کتاب منظور از اهل ذمه کسانی هستند که اهل کتاب‌اند و طبق قرارداد با اسلام در آن سرزمین زندگی می‌کنند.

۲-۲. مستأمنین: گروهی هستند که با امان‌دادن یکی از مسلمانان یا حاکم اسلامی در



مملکت‌های اسلامی ساکن می‌شوند و در بیشتر مواقع، حضوری موقت در سرزمین‌های اسلامی دارند (بهوتی، ۱۴۱۴ق، ج. ۱، ص. ۶۵۲) و ممکن است دارای انگیزه‌هایی مانند دوربودن و فرار از جنگ، جاسوسی و سیاحت باشند.

۳-۲. معاهدین: کسانی هستند که براساس عهد و پیمانی که با مسلمانان بسته‌اند در کنار مسلمانان با آنان روابطی صلح‌آمیز دارند و روابط بین آنها براساس پیمان مشترک تنظیم شده از جانب خودشان است (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج. ۷، ص. ۳۴۱؛ هندی، ۱۴۱۳ق، ص. ۶۹). به نظر می‌رسد معاهدین یک مفهوم عام باشد و ممکن است شامل افرادی شود که با مسلمانان در عهد، صلح یا هدنه هستند.

با توجه به تقسیم‌بندی‌های غیرمسلمانان می‌توان نتیجه گرفت که گروه‌هایی مانند منافقین، فاسقین، اهل اهواء و بدع و اهل بغی در شمار غیرمسلمانان به حساب نمی‌آیند و احکام غیرمسلمانان بر آنها جاری نمی‌گردد.

اهمیت گردشگری مذهبی

گردشگری مذهبی از قدیم‌ترین و پررونق‌ترین نوع گردشگری به شمار می‌رود که ضرورت دارد در کشورهای اسلامی، به‌خصوص ایران، بیش‌ازپیش توسعه یابد، زیرا این نوع گردشگری نقشی مؤثر در بازسازی حیات شهرها دارد.

گردشگری مذهبی افراد را با ادیان و مذاهب و فرهنگ‌های متفاوت به یکدیگر پیوند می‌دهد و به ایشان یاری می‌رساند تا همدیگر را باوجود تنش‌های سیاسی و اجتماعی بهتر درک کنند (جمالی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۸۵). همچنین، بین کشورهای مسلمان و غیرمسلمان می‌تواند سبب تقویت همگرایی و همبستگی و همچنین آشنایی بیشتر و شناخت کشورها و ادیان مختلف شود و زمینه‌ساز هرچه بیشتر روابط بین کشورهای مسلمان و غیرمسلمان شده که این خود موجب خلق فرصت‌های اقتصادی بیشتری برای کشورها می‌گردد.

نقش مسجد و اهمیت آن در گردشگری مذهبی

اولین تجلی معماری اسلامی مسجد است و معماری مساجد در کشورهای اسلامی، عالی‌ترین تجلی هنر اسلامی به شمار می‌آید. ازاین‌رو، مساجد افزون‌بر کارکردهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی، همواره جایگاه هنرمندان، خطاطان، معماران، کاشی‌کاران و نقاشان بوده است که همگی برای تعالی این مکان مقدس، سهمی بسزا داشته‌اند.

در هر دوره، سبک جدیدی از معماری در مساجد نمایان شده که تقلید یا ترکیبی از



سبک‌ها و معماری‌های گذشته بوده است. اولین مساجدی که در تاریخ اسلام ساخته شدند، ساده و بی‌پیرایه بودند. در ابتدا، عبادت و راز و نیاز و نیایش، توجه مسلمانان را به خود جلب می‌کرد، اما در دوره‌های بعد، ضمن حفظ کارکرد اصلی مسجد، معماری آن نیز اهمیت یافت و ساختار ظاهری آن دچار تحول و دگرگونی شد. با اضافه شدن طاق، مناره، ایوان و گنبد به ساختار مساجد، تأثیر و تأثر آن نیز افزایش یافت و باعث شد به سبب همین جذابیت و تنوع معماری اسلامی مساجد، این مکان‌ها عامل جذب گردشگران شوند.

از آنجا که مساجد در جهان اسلام در مقایسه با دیگر اماکن مذهبی مسلمانان تنوع و کثرت بالایی دارند و بیشتر احکام فقهی درمورد ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی همچون مسجد صادر شده است، در این پژوهش نیز قدر متیقن از اماکن مذهبی، همان مساجد گرفته شده و حکم مساجد قابلیت سرایت به دیگر اماکن را دارد.

حکم ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمانان

در این مورد در بین فقها و مذاهب اسلامی سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: جواز ورود منوط به اذن مسلمانان

برخی از فقهای امامیه (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۳۶۲)، مذهب شافعی (شیرازی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۳۲۰؛ نووی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۰، ص. ۳۱۲) و قولی در مذهب حنبلی (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج. ۹، ص. ۳۶۰؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴ق، ج. ۱۰، ص. ۳۴۳؛ مرداوی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۲۳۹) از قائلین به این دیدگاه هستند.

این دسته از فقها معتقدند که غیرمسلمانان با اذن و اجازه مسلمانان می‌توانند به مساجد آنها وارد شوند و حرمت ورود کفار را مختص به حرم مکه و مدینه و برخی نیز محدود به مسجدالاقصی می‌دانند و نهی وارده در قرآن و روایات را مختص این اماکن دانسته و به صورت عمومی به مساجد تسری نمی‌دهند.

همچنین این دسته از فقها معتقدند که حرمت ورود به حرم مکه و مدینه نیز مختص مشرکان و کافران حربی بوده و اهل ذمه تحت شرایطی و با اذن مسلمانان می‌توانند وارد حرم مکه و مدینه شوند.

کاشف الغطاء (۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۳۶۲)، از فقهای امامیه، در این باره معتقد است که کافران می‌توانند وارد مساجد مسلمانان شوند منوط به اینکه در این دخول تکرار و مداومت نباشد. یعنی کافر می‌تواند به صورت محدود وارد مسجد شده ولی مکث آن طولانی نباشد و همچنین این امر به کرات تکرار نشود به این معنا که به صورت پی‌درپی و در فواصل زمانی



مشخص وارد و خارج شود که در این صورت دیگر ورود وی جایز نیست. ابواسحاق شیرازی (بی‌تا، ج. ۳، ص. ۳۲۰)، از فقهای شافعی، در این باره معتقد است که ورود مشرکان به حرم مکه به دلیل آیات قرآن حرام است، اما داخل شدن به سایر مساجد در صورت اذن مسلمانان جایز است. از سخن این فقیه شافعی می‌توان این استنباط را کرد که نهی وارده در آیات قرآن محدود به منع ورود به حرم مکه و آن هم محدود به مشرکان است و غیرمسلمانان می‌توانند با اذن مسلمانان به مساجد و اماکن مذهبی آنان وارد شوند. ابن‌قدامه (۱۳۸۸ق، ج. ۱۰، ص. ۴۱)، از فقهای حنبله، نیز معتقد است که ورود کافر ذمی با اذن مسلمانان به مسجد جایز است. این فقیه حنبلی نیز آن‌چنان که ذکر کرده است ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمانان را در صورت داشتن اذن از مسلمانان جایز دانسته است. این دسته از فقها برای اثبات قول خود به ادله زیر استناد ورزیده‌اند:

الف) روایات

۱. روایت ابوهریره: «أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ، قَالَ: بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْلًا قَبْلَ نَجْدٍ، فَجَاءَتْ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي حَنِيفَةَ يُقَالُ لَهُ ثُمَامَةُ بْنُ أَثَالٍ، فَرَبَطُوهُ بِسَارِيَةٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: مَا عِنْدَكَ يَا ثُمَامَةُ؟ فَقَالَ: عِنْدِي خَيْرٌ يَا مُحَمَّدُ، إِنْ تَقْتُلْنِي تَقْتُلْ ذَا دَمٍ، وَإِنْ تُنْعِمَ تُنْعِمَ عَلَيَّ شَاكِرٌ، وَإِنْ كُنْتُ تُرِيدُ الْمَالَ فَسَلْ مِنْهُ مَا شِئْتَ، فَتَرَكَ حَتَّى كَانَ الْغَدُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: مَا عِنْدَكَ يَا ثُمَامَةُ؟ قَالَ: مَا قُلْتُ لَكَ: إِنْ تُنْعِمَ تُنْعِمَ عَلَيَّ شَاكِرٌ، فَتَرَكَهُ حَتَّى كَانَ بَعْدَ الْغَدِ، فَقَالَ: مَا عِنْدَكَ يَا ثُمَامَةُ؟ فَقَالَ: عِنْدِي مَا قُلْتُ لَكَ، فَقَالَ: أَطْلِقُوا ثُمَامَةَ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج. ۵، ص. ۱۷۰). «ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا که سلام و درود خدا بر او باد، سواره‌نظام‌هایی را به سوی نجد فرستاد و آنها مردی از قبیله بنی‌حنیفه را که ثمامه بن اثال نام داشت و بزرگ اهل یمامه بود با خود آوردند و او را به یکی از ستون‌های مسجد بستند. سپس رسول خدا پیش او فرستاد و فرمود: ای ثمامه نزد خود چه داری؟ گفت: ای محمد، خیر؛ اگر بکشی، صاحب خونی را کشته‌ای و اگر زنده‌ام بداری، بر انسانی شکرگزار نعمت بخشیده‌ای و اگر خواهان ثروت هستی، بگو تا هر قدر که می‌خواهی به تو تقدیم کنم، رسول خدا او را به همان حال رها کرد تا فردا، و فردا همان سؤال را تکرار کرد. او نیز همان جواب را داد، پیامبر او را تا فردا به همین حال گذاشت. روز سوم مجدداً همین سؤال و جواب تکرار شد، رسول خدا فرمود: ثمامه را رها کنید...».

روایت مذکور که نزد اهل سنت روایتی صحیح شناخته شده، حاکی از این است که از آنجا که پیامبر ثمامه را که غیرمسلمان و اسیر بود، به مسجد آورد و سه شبانه‌روز به ستون بست، خود دلیل اذن ورود غیرمسلمانان به مساجد است؛ زیرا پیامبر با اذن خود اجازه داد تا این



اسیر به مسجد آورده شود و عمل و گفته ایشان نیز حجت است.

۲. روایت انس بن مالک: «عن أنس بن مالك، يقول: بينما نحن جلوس مع النبي صلى الله عليه وسلم في المسجد، دخل رجل على جمل، فأناخه في المسجد ثم عقله، ثم قال لهم: أيكم محمد؟ والنبي صلى الله عليه وسلم متكى بين ظهرانيهم، فقلنا: هذا الرجل الأبيض المتكى. فقال له الرجل: يا ابن عبد المطلب فقال له النبي صلى الله عليه وسلم: قد أجبتك. فقال الرجل للنبي صلى الله عليه وسلم: إني سألتك فمستد عليك في المسألة، فلا تجد علي في نفسك؟ فقال: سل عما بدا لك. فقال: أسألك بربك ورب من قبلك، الله أرسلك إلى الناس كلهم؟ فقال: اللهم نعم. قال: أنشدك بالله، الله أمرك أن تصلّي الصلوات الخمس في اليوم والليلة؟ قال: اللهم نعم. قال: أنشدك بالله، الله أمرك أن نضوم هذا الشهر من السنة؟ قال: اللهم نعم. قال: أنشدك بالله، الله أمرك أن تأخذ هذه الصدقة من أغنيائنا فتقسمها على فقرائنا؟ فقال النبي صلى الله عليه وسلم: اللهم نعم. فقال الرجل: آمنت بما جئت به، وأنا رسول من ورأي من قومي، وأنا ضمام بن ثعلبة أخو بني سعد بن بكر» (بخاری، ۱۴۲۲ق. ج. ۱، ص. ۲۳): «انس بن مالک می گوید: روزی، خدمت رسول اکرم در مسجد نشسته بودیم. شتر سواری از راه رسید و شترش را در مسجد خوابانید و پاهایش را بست و از حاضرین پرسید: کدام یک از شما محمد است؟ رسول الله در جمع صحابه تکیه زده و نشسته بود. حاضرین گفتند: او که تکیه زده است، محمد است. آن شخص تازه وارد گفت: ای فرزند عبدالمطلب! رسول الله (ص) فرمود: بگو چه می خواهی؟ گفت: من چند سؤال دارم و در آنها سخت گیری به خرج می دهم ولی شما به دل نگیرید. رسول الله فرمود: هر چه دلت می خواهد، سؤال کن. آن شخص گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار کسانی که قبل از تو بوده اند، سوگند می دهم، آیا خداوند تو را برای هدایت تمام مردم فرستاده است؟ رسول الله فرمود: به خدا سوگند، چنین است. آن شخص گفت: تو را به خدا سوگند، آیا خداوند به تو امر فرموده که ما، روزانه پنج بار نماز بخوانیم؟ رسول الله فرمود: به خدا سوگند، چنین است. آن شخص گفت: تو را به خدا سوگند، آیا خدا به تو دستور داده که ما ماه رمضان را روزه بگیریم؟ رسول الله فرمود: آری، به خدا سوگند. باز پرسید: تو را به خدا سوگند، آیا الله دستور داده است که از اغنیای ما زکات بگیری و آن را بین فقرا یا تقسیم کنی؟ رسول الله فرمود: آری. آن شخص گفت: به تمام احکامی که شما آورده ای، ایمان آوردم. قبیله ام مرا فرستاده است. نام من، ضمام بن ثعلبه است و از قبیله بنی سعد بن بكر هستم».

این روایت صحیح بر این دلالت می کند که داخل شدن ضمام بن ثعلبه قبل از اسلام آوردن، دلیل جواز ورود غیرمسلمان به مسجد است و همچنین عدم منع رسول الله خود به مثابه اذن ورود به مسجد به شمار می آید.



۳. روایت عثمان بن ابی العاص: «عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ، أَنَّ وَفْدَ ثَقِيفٍ قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَنْزَلَهُمُ الْمَسْجِدَ لِيَكُونَ أَرْقَ لِقُلُوبِهِمْ، فَاشْتَرَطُوا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ لَا يَحْشَرُوا، وَلَا يَعْشَرُوا، وَلَا يَجْبُوا، وَلَا يَسْتَعْمَلَ عَلَيْهِمْ غَيْرُهُمْ، قَالَ: فَقَالَ: إِنَّ لَكُمْ أَنْ لَا تُحْشَرُوا، وَلَا تُعْشَرُوا، وَلَا يَسْتَعْمَلَ عَلَيْكُمْ غَيْرُكُمْ، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا خَيْرَ فِي دِينَ لَا رُكُوعَ فِيهِ» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج. ۲۹، ص. ۴۳۸؛ ابوداود سجستانی، بی تا، ج. ۳، ص. ۱۶۳): «عثمان بن ابی العاص نقل می کند که قبیله وفد به دیدار پیامبر آمدند، پیامبر اینها را در مسجد جا دادند تا قلب های اینها بیشتر نرم شود. مسلمان شدند و با نبی مکرم شرط کردند که برای جهاد فراخوانده نشوند، مالیات از اینها نگیرند، نماز نخوانند، اگر نبی مکرم می خواهند نماینده و حاکمی بر آنها بگذارند، از قبیله ثقیف باشد. حضرت هم فرمود این چیزهایی که شما می گوئید که از ما سربازگیری نکنید... باشد و حتی نماینده هم برای شما از خودتان انتخاب می کنم. بعد حضرت فرمود: دینی که نماز نداشته باشد، آن دین نیست.» با توجه به آنچه در روایت آمده است می شود گفت که وارد کردن گروه و قبیله وفد به مسجد پیامبر دلیل بر جواز دخول غیرمسلمان به مسجد است و این قول پیامبر که فرمودند: «فَأَنْزَلَهُمُ الْمَسْجِدَ» به منزله اذن محسوب می شود.

هرچند این روایت در منابع اهل سنت روایتی ضعیف دانسته شده، می شود گفت شهرت چنین روایت هایی جابر ضعف آن است و شهرتش ضعف سندی آن را جبران می کند.

۴. خبر ابن اسحاق: «عن ابی اسحاق قَقَامُ أَبُو سُفْيَانَ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۲۱، ص. ۱۰۲؛ ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج. ۲، ص. ۳۹۶): «ابی اسحاق نقل می کند که ابوسفیان در زمانی که مشرک بود وارد مسجد شد و گفت: ای مردم...» با توجه به روایت مذکور مبنی بر دخول ابوسفیان در حالت شرک به مسجد در حضور پیامبر (ص) و عدم منع آن حضرت، می توان جواز دخول غیرمسلمان به مساجد با اذن را برداشت کرد.

۵. خبر محمد بن جعفر بن زبیر: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الزَّبِيرِ، قَالَ: لَمَّا قَدِمَ وَفْدُ نَجْرَانَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ — صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ — دَخَلُوا عَلَيْهِ مَسْجِدَهُ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَحَانَتْ صَلَاتُهُمْ، فَقَامُوا يَصَلُّونَ فِي مَسْجِدِهِ، فَأَرَادَ النَّاسُ مَنَعَهُمْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ — صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دَعُوهُمْ فَاسْتَقْبِلُوا الْمَشْرِقَ، فَصَلُّوا صَلَاتَهُمْ» (ابن قیّم جوزیه، ۱۴۱۵ق، ج. ۳، ص. ۵۵۰): «محمد بن جعفر بن زبیر نقل می کند که نمایندگان مسیحیان نجران هنگام عصر در مقابل مسجد رسول الله (ص) از مرکب های خود پیاده شدند و به صورت منظم وارد آن مکان مقدس شدند و سلام کردند. هنگام ورود به مسجد، وقت اقامه نماز آنان بود. هیئت نجرانی به سوی مشرق مشغول نماز



شدند. مسلمانان خواستند از ورود آنان به مسجد و عبادت آنها به سوی مشرق جلوگیری کنند که پیامبر مانع آنان شد.

ورود مسیحیان نجران به مسجد پیامبر در حضور خود پیامبر و با اذن ایشان، جواز دخول کفار به مساجد مسلمانان را می‌رساند.

ب) مقتضای اصل

می‌توان گفت که اصل این را اقتضا می‌کند که ورود همگان به مساجد جایز باشد. به عبارت دیگر، مقتضای اصل اولیه جواز ورود به مسجدها برای همگان است.

ج) سیره نبوی

همان گونه که برخی روایات مذکور نیز ذکر کردند، پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه و تشکیل و استقرار حکومت، پیامبر به دلایل مختلفی دیدارهایی در مسجد خویش با گروه‌های غیرمسلمان داشته است که همگی حاکی از جواز این امر است.

د) قواعد فقهی

برخی از قواعد فقهی اصل را اشیاء اباحه ذکر کرده‌اند، مانند قاعده فقهی «الْأَصْلُ فِي الْأَشْيَاءِ الْإِبَاحَةُ حَتَّى يَدُلُّ الدَّلِيلُ عَلَى التَّحْرِيمِ» (سیوطی، ۱۴۱۱ق، ص. ۶۰) که مقرر می‌دارد اصل در اشیاء اباحه است مگر اینکه دلیلی بر تحریم آن وارد شده باشد. حال اینکه با دقت در آیات و روایات و سیره نبوی دلیلی بر تحریم ورود مسلمانان به مساجد مسلمانان دیده نمی‌شود، بلکه عکس آن نیز ثابت است و دلایل همگی حاکی از جواز ورود غیرمسلمانان به مساجد است.

دیدگاه دوم: جواز مطلق ورود

مذهب حنفی (جصاص، ۱۴۱۵ق، ج. ۳، ص. ۱۱۴؛ سرخسی، ۱۹۷۱، ج. ۱، ص. ۱۳۴-۱۳۵) از قائلین به این دیدگاه است. فقهای حنفیه معتقدند که غیرمسلمانان می‌توانند بدون اذن و اجازه از مسلمانان وارد مساجد و اماکن مذهبی آنها شوند و این کار را جایز دانسته‌اند. جصاص، از عالمان حنفیه، در این باره گفته است که غیر از مسجدالحرام، اهل ذمه می‌توانند به سایر مساجد مسلمانان بدون اذن آنان وارد شوند (۱۴۱۵ق، ج. ۳، ص. ۱۱۴).

محمدبن احمد سرخسی، دیگر فقیه حنفیه، از این فراتر رفته و معتقد است که در مذهب حنفی، چه کافر حربی و چه ذمی، هم می‌تواند وارد مسجدالحرام شود و هم می‌تواند وارد سایر مساجد مسلمانان شود بدون اینکه از آنان اذن داشته باشد (۱۹۷۱، ج. ۱، ص. ۱۳۴-۱۳۵).

عمده دلایل فقهی حنفیه برای اثبات قول خود، دلایل ذیل است:

۱. آنان گفته‌اند که ابوسفیان وارد مسجد شد درحالی که مشرک بود (ابن هشام، ۱۳۷۵ق،

ج. ۲، ص. ۳۹۶).



۲. «أَنَّ وَفْدَ ثَقِيفٍ لَمَّا قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَرَبَ لَهُمْ قُبَّةً فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَوْمٌ أَنْجَسُوا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَنْجَاسِ النَّاسِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْجَاسُ النَّاسِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ» (طحاوی، ۱۴۱۴ق، ج. ۱، ص. ۱۳): «آنگاه که وفد ثقیف به مدینه آمدند تا درباره شرط‌های خود برای اسلام آوردن، با پیامبر اکرم مذاکره کنند، برای آنان قبه‌ای در مسجد زده شد. مسلمانان گفتند: ای پیامبر خدا! اینان گروهی نجس و پلیدند. پیامبر فرمودند: نجاست انسان‌ها به هیچ‌روی به زمین منتقل نمی‌شود. نجاست انسان‌ها تنها بر نفوس خود آنان است».

فقه‌های حنفیه با استناد کلی به این دو دلیل معتقدند که دخول ابوسفیان به مسجد قبل از اسلام آوردن و همچنین ورود وفد ثقیف به مسجد در زمان پیامبر خود دلیل جواز ورود دخول کفار به مساجد است.

در پاسخ می‌توان گفت دلایل مطروحه بر فرض صحت نمی‌تواند بر جواز ورود غیرمسلمانان به مساجد بدون اذن دلالت کند، زیرا در این دو واقعه ذکر شده، پیامبر حضور داشته و سکوت پیامبر نشان از اذن و جواز ورود به آنان محسوب می‌شود؛ چه آنکه اگر پیامبر می‌خواست آنان را از ورود منع کند دیگر سکوت نمی‌کرد و تقریری صورت نمی‌گرفت. پس سکوت پیامبر اذن محسوب شده و هرگز دلیلی بر جواز مطلق ورود غیرمسلمان به مساجد به شمار نمی‌رود.

دیدگاه سوم: حرمت مطلق ورود

مشهور فقهای امامیه (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۲، ص. ۴۷؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج. ۱، ص. ۵۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج. ۹، ص. ۳۳۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۲۱، ص. ۲۸۷-۲۸۸) و مذهب مالکی (ابن انس، ۱۴۱۵ق، ج. ۲، ص. ۳۵۴)، قولی در مذهب حنبلی (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج. ۱۰، ص. ۴۱؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴ق، ج. ۱۰، ص. ۳۴۳؛ مرداوی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۲۳۹)، مذهب زیدیه (ابن یحیی المرتضی، ۱۴۴۴ق، ج. ۱، ص. ۱۴۴) و مذهب اباضیه (اطفیش، ۱۴۰۱ق، ج. ۱، ص. ۵۰۰؛ سالمی، ۱۴۰۴ق، ج. ۳، ص. ۲۸۳) از قائلین به این دیدگاه هستند.

شیخ طوسی، از فقهای امامیه، معتقد است که ورود مشرکان و غیرمسلمانان به مسجد الحرام و دیگر مساجد مسلمانان چه با اذن و چه بدون اذن جایز نیست (۱۴۰۷ق، ج. ۱، ص. ۵۱۸). مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکیه، معتقد است که ورود غیرمسلمانان به هر مسجدی از مساجد مسلمانان را باید منع کرد (۱۴۱۵ق، ج. ۲، ص. ۳۵۴).

ابن یحیی المرتضی (۱۴۴۴ق، ج. ۱، ص. ۱۴۴)، از فقهای زیدیه، در کتاب خود چنین آورده است که با توجه به آیه «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ»، ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان به دلیل نجاست آنان مطلقاً ممنوع بوده و فرقی بین مسجد الحرام که در آیه ذکر شده با دیگر



مساجد نیست و تخصیص موجود در آیه قابلیت سرایت به همه مساجد را دارد. عبدالله بن حمید سالمی، از فقهای اباضیه، معتقد است که ورود مشرکان و غیرمسلمانان به مسجدالحرام و دیگر مساجد مسلمانان، چه با اذن و چه بدون اذن، جایز نیست و آیه ۲۸ سوره توبه که مشرکان را نجس خوانده و از ورود به مسجدالحرام منع کرده، قابل سرایت به همه مساجد بوده، زیرا همه مساجد خانه‌های خدا بوده و در همه مساجد ذکر و نام خدا برده می‌شود (۱۴۰۴ق، ج. ۳، ص. ۲۸۳).

این گروه از فقها برای اثبات مدعای خود به موارد زیر استدلال ورزیده‌اند:

الف) قرآن کریم

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ...» (توبه، ۲۸، ۱۴۴۵ق): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مشرکان نجس‌اند».

این گروه از فقها با استدلال به آیه مذکور معتقدند که خداوند حکم به نجس بودن کافران داده و بدین سبب، ورود آنان به هیچ مسجد، به خصوص مسجدالحرام، جایز نیست، چون مساجد باید همواره از نجاست به دور باشند.

در جواب می‌توان گفت اولاً نهی مذکور مختص مسجدالحرام است، ثانیاً طبق آنچه فقها گفته‌اند همه غیرمسلمانان را نمی‌توان نجس دانست، زیرا این نجاست مختص مشرکان صدر اسلام است و شامل کافران ذمی و اهل کتاب و شریعت نمی‌شود و ثالثاً قیاس مسجدالحرام با دیگر مساجد، قیاسی است مع الفارق و باطل.

۲. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ...» (توبه، ۱۷، ۱۴۴۵ق): «مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند درحالی‌که به کفر خویش گواهی می‌دهند».

این دسته از فقها با استدلال به آیه مذکور معتقدند از آنجا که واژه «عمران» وارده در لغت هم به معنای ساخت‌وساز و هم به معنای زیارت آمده است، پس مشرکین از ساخت‌وساز در مساجد و ورود به آنان منع شده‌اند.

در جواب می‌توان گفت صحیح است که نزد لغویان یکی از معانی «عمران» زیارت و رفت‌وآمد ذکر شده، اما این معنای رایج آن نبوده و در قرآن معنای شایع واژه عمران، ساخت‌وساز است آن‌چنان‌که در آیه ۹ سوره روم نیز آمده است. پس آیه بر آن است که ساخت‌وساز مساجد از سوی غیرمسلمانان را منع کند نه ورود آنان به مساجد را.

ب) روایات

۱. روایت راوندی: «فروى الراوندى بسنده عن موسى بن جعفر عن آبائه (عليهم السلام) قال:



قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) لیمنعن أحدکم مساجدکم یهودکم و نصاراکم و صبیانکم و مجانینکم أو لیمسخن الله تعالی قردة و خنازیر رکعا سجدا» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج. ۷، ص. ۲۷۹): «راوندی با سندش از موسی بن جعفر (ع) از پدران بزرگوارش نقل می کند: رسول خدا فرمود: یهودیان، مسیحیان و کودکان و دیوانگان را از ورود به مساجد باز دارید و گرنه خداوند به صورت بوزینگان و خوکان شما را مسخ می کند».

این دسته از فقها معتقدند همان گونه که روایت بازگو می کند پیامبر دستور منع غیرمسلمانان در کنار برخی اصناف را صادر کرده است و از روایت می توان عدم جواز مطلق ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمانان را برداشت کرد.

در جواب می توان گفت اولاً روایت مذکور روایتی ضعیف شناخته شده است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج. ۷، ص. ۲۷۹) و ثانیاً بر فرض صحت روایت می توان گفت از آنجا که در روایت کودکان مسلمان نیز در کنار گروه کافران قرار داده شده و نظر به اینکه ورود کودکان مسلمان به مسجد حرام نیست، حداکثر نهی وارده در روایت را می توان کراهت دانست و نه حرمت و وقتی چنین شد دیگر ورود غیرمسلمانان حرام نیست.

ج) اجماع

برخی از فقها، از جمله فقهای امامیه، در این زمینه ادعای اجماع کرده اند و معتقدند فقها بر عدم جواز و نارو بودن ورود کافران به مساجد مسلمانان اجماع دارند.

محقق حلی در مورد اجماع ادعایی در این زمینه در امامیه چنین می گوید: «اجماع ما این است که جایز نیست کافران وارد مسجد الحرام و دیگر مساجد شوند» (۱۴۰۸ق، ج. ۱، ص. ۳۰۳).

در جواب می توان گفت که اولاً با وجود اینکه برخی فقهای امامیه به جواز منوط به اذن قائل هستند، دیگر اجماعی منعقد نشده است و ثانیاً بر فرض صحت اجماع، با وجود آیات و روایت دیگر اجماع مدرکی و فاقد اعتبار است.

بیان قول برگزیده

با توجه به آنچه از اقوال و ادله بیان شد، می توان گفت قول اول نزد پژوهشگر قول مختار و برگزیده است، زیرا روایات صحیحه وارده و مستفیضه و سیره پیامبر اکرم، مقتضای اصل و برخی قواعد فقهی نیز همگی حاکی از جواز ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمانان با اذن مسلمانان است.

ادله دو گروه دیگر به دلیل استناد به آیاتی غیرمرتبط و روایاتی ضعیف و اجماع مدرکی



و غیرمحصل، غیرقابل پذیرش بوده و می توان گفت از آنجا که ورود با اذن غیرمسلمانان به مساجد می تواند به شناخت دین اسلام و فرهنگ غنی آن کمک کند، دیگر اشکالی در آن دیده نمی شود بلکه مؤیدی برای جواز آن نیز به شمار می رود.

یکی از اندیشمندان در این باره چنین نوشته است: «در حال حاضر بخش درخور توجهی از مکان های تاریخی و جاذبه های جهان اسلام، به ویژه ایران را مکان های مقدسی مانند مساجد، حرم ها و زیارتگاه ها تشکیل می دهد. این مکان های مقدس صرف نظر از قداست و معنویتی که دارند نمایشگاهی از هنر و نمادی از تمدن و فرهنگ اسلام و مسلمانان است. این جاذبه های فرهنگی و هنری می تواند خیل عظیم گردشگرانی را که اغلب غیرمسلمانانند به این اماکن بکشاند. غیرمسلمانانی که قصد دارند وارد این اماکن مذهبی گردشگری شوند چه بسا انگیزه عقلایی و شرع پسند دارند، مانند جست و جوی حق و آشنایی با معارف اسلامی یا تحقیق در آثار و بناهای اسلامی و چه بسا جواز حضورشان در این اماکن، به حق پذیری و گرویدن به اسلام بینجامد» (مخلص، ۱۳۹۶، ص. ۵۴-۵۵).

همچنین از آنجا که مشخص گردید غیرمسلمانان می توانند با اذن مسلمانان وارد مساجد شوند، می توان این حکم را به بارگاه ها، حرم امامان و دیگر اماکن مذهبی سرایت داد. اما پژوهشگر به منظور هدفمندسازی گردشگری مذهبی و در جهت بهبود اوضاع در هنگام ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان شاخصه ها و راهکارهایی را پیشنهاد می دهد که از این قرار است:

۱. گردشگر به آداب، فرهنگ و اخلاق و عادات و عرف جامعه اسلامی پایبند بوده و به آنان احترام بگذارد.
۲. گردشگر به پوشش متعارف و متناسب با فرهنگ اسلامی هنگام بازدید و گردش پایبند باشد.
۳. گردشگر هنگام بازدید از اماکن مقدس، به منکر دعوت نکند و برخی معاصی مباح در کیش خود را که در اسلام گناه است، آشکارا انجام ندهد.
۴. گردشگر اعمال ضد اسلام و ضد هنجارهای اسلامی انجام ندهد.
۵. به مصالح عمومی و خصوصی مسلمانان پایبند بوده و به آنها ضرر نرساند.
۶. به احساسات و شعائر مسلمانان در آن مکان ها احترام بگذارد.
۷. گردشگر سابقه عناد و عداوت با اسلام را نداشته باشد.



نتیجه‌گیری

از این پژوهش نتایج ذیل حاصل شده است:

۱. حکم فقهی ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان در متون فقه مذاهب اسلامی بیشتر ذیل مبحث ورود به مسجد بحث شده است و درباره آن سه نظریه در فقه اسلامی به چشم می‌خورد: الف) جواز ورود را منوط به اذن مسلمانان دانسته است که قول برگزیده نزد پژوهشگر نیز همین قول است. برخی از فقهای امامیه، مذهب شافعی و قولی در مذهب حنبلی از قائلین به این دیدگاه هستند. این دسته از فقها معتقدند که غیرمسلمانان با اذن و اجازه مسلمانان می‌توانند به مساجد و دیگر اماکن مقدس مسلمانان وارد شوند. این گروه از فقها به روایات صحیح، به مقتضای اصل، سیره نبوی و برخی قواعد فقهی در این مورد استناد کرده‌اند. ب) قائل به جواز مطلق ورود غیرمسلمانان به اماکن مقدس مسلمانان است. مذهب حنفی تنها مذهب طرفدار این قول بوده و معتقد است که غیرمسلمانان می‌توانند بدون اذن و اجازه از مسلمانان وارد مساجد و اماکن مذهبی آنها شوند. این مذهب برای اثبات مدعای خود به دخول ابوسفیان به مسجد قبل از اسلام آوردن و همچنین ورود وفد ثقیف به مسجد در زمان پیامبر (ص) استدلال کرده‌اند که دلایلی غیرمحکم به شمار می‌رود. ج) قائل به حرمت مطلق ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان است. این دیدگاه نزد مشهور فقهای امامیه، مذاهب مالکیه، زیدیه، اباضیه و قولی در مذهب حنبلی طرفدار دارد. این گروه از فقها در این باره به آیاتی تخصیص خورده و بعضاً غیرمرتبط با موضوع بحث از قرآن کریم، برخی روایات ضعیف و اجماع غیر معتبر و مدرکی استناد کرده‌اند.

۲. آیاتی که ناظر بر منع ورود کافران به حرم مکه است، مخصوص مسجدالحرام بوده و قابل سرایت به عام و دیگر مساجد و اماکن مذهبی مسلمانان نیست.

۳. ادله ناظر بر ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمانان با اذن مسلمانان قابل سرایت به دیگر اماکن مذهبی مانند حرم امامان و بارگاه‌هاست.

۴. نجاست همه مشرکان و غیرمسلمانان نزد فقها تأیید نشده و نمی‌توان همه غیرمسلمانان را مشمول نجاست مطروحه در برخی آیات قرآن کرد.

۵. گروه‌هایی مانند منافقین، فاسقین، اهل اهواء و بدع و اهل بغی در شمار مسلمانان به حساب آمده و احکام غیرمسلمانان بر آنها جاری نمی‌گردد.

۶. حق جویی، آشنایی با اسلام، نمایش شکوه و تمدن، فرهنگ اسلام و مسلمانان در هنگام بازدید غیرمسلمانان از اماکن مذهبی مسلمانان از جلوه‌های جواز این حکم و از مقاصد آن به شمار رفته و عقلاً و شرعاً نیز مورد تأیید است.



۷. در جهت بهبودی و هدفمندسازی گردشگری مذهبی در کشورهای اسلامی و بازدید غیرمسلمانان از آن، پژوهشگر راهکارهایی در انتهای مقاله ارائه کرده که اجرای آن در این زمینه مثمر ثمر خواهد بود.

فهرست منابع

- ابن الفراء، م. (۱۴۲۱ق.). *الأحكام السلطانية*. (محمد حامد الفقی، مصحح). دارالکتب العلمیة.
- ابن انس، م. (۱۴۱۵ق.). *المدونة*. دارالکتب العلمیة.
- ابن حزم، ا. (بی تا.). *المحلی*. دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن حنبل، ا. (۱۴۲۱ق.). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. (شعیب الأرنؤوط و عادل مرشد، محققان). مؤسسة الرسالة.
- ابن قدامه، ا. (۱۳۸۸ق.). *المغنی*. مکتبة القاهرة.
- ابن قیم جوزیة (۱۴۱۵ق.). *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*. مؤسسة الرسالة.
- ابن مفلح، م. (۱۴۲۴ق.). *الفروع*. (عبدالله بن عبدالمحسن التركي، محقق)، مؤسسة الرسالة.
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. دارصادر.
- ابن هشام، ع. (۱۳۷۵ق.). *السيرة النبوية*. (مصطفی السقا، ابراهیم الايباری و عبدالحفیظ الشلبی، محققان)، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده.
- ابن یحیی المرتضی (۱۴۴۴ق.). *البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الأمصار*. مکتبة اهل البيت (ع).
- ابواسحاق شیرازی (بی تا.). *المهذب*. دارالکتب العلمیة.
- سجستانی، س. (بی تا.). *سنن أبي داود*. (محمد محیی الدین عبدالحمید، محقق). المکتبة العصرية.
- اطفیش، م. (۱۴۰۱ق.). *هميان الزاد إلى دار المعاد*. وزارة التراث القومي و الثقافة.
- بحرانی، ی. (۱۴۰۵ق.). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمية قم.
- بخاری، م. (۱۴۲۲ق.). *صحیح بخاری*. تحقیق محمدزهیر بن ناصر الناصر، دارطوق النجاة.
- بهوتی، م. (۱۴۱۴ق.). *شرح منتهی الإرادات*. عالم الکتب.
- بهوتی، م. (بی تا.). *کشاف القناع عن متن الإقناع*. دارالکتب العلمیة.
- تیموتی، دی. جی. و السن، دی. ایچ. (۱۳۹۲). *گردشگری دین و سفرهای معنوی*. (محمد قلی پور و احسان مجیدی فرد، مترجمان). نشر جامعه شناسان.
- جصاص، ا. (۱۴۱۵ق.). *أحكام القرآن*. (عبدالسلام محمدعلی شاهین، محقق). دارالکتب العلمیة.



- جمالی نژاد، م. (۱۳۹۵). گردشگری اسلامی، نشر آرما.
- خمیس الزوكة، م. (۱۹۹۷). صناعة السياحة من منظور جغرافي. دارالمعرفة الجامعية.
- رملي، ش. (۱۴۰۴ق.). نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج. دارالفكر.
- روبي، ان. (بی.تا.). نظرية السياحة. مؤسسة الثقافة الجامعية.
- زیدان، ع. (۱۴۰۲ق.). أحكام الذميين و المستأمنين في دار الاسلام. مؤسسة الرسالة.
- زیلعی، ف. (۱۳۱۳). تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق و حاشية الشلبي. المطبعة الكبرى الأميرية.
- سالمی، ع. (۱۴۰۴ق.). معارج الآمال على مدارج الكمال بنظم مختصر الخصال. سلطنة عُمان.
- سرخسی، م. (۱۹۷۱). شرح السير الكبير. الشركة الشرقية للإعلانات.
- سیوطی، ج. (۱۴۱۱ق.). الأشباه والنظائر. دارالكتب العلمية.
- شافعی، م. (۱۴۱۰ق.). الأم. دارالمعرفة.
- طحاوی، ا. (۱۴۱۴ق.). شرح معانی الآثار. عالم الكتب.
- طوسی، م. (۱۳۸۷ق.). المبسوط. المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، م. (۱۴۰۷ق.). الخلاف. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمية قم.
- علامه حلی، ح. (۱۴۱۴ق.). تذكرة الفقهاء. مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- عمید، ح. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. راه رشد.
- عینی، ب. (۱۴۲۰ق.). البناية شرح الهداية. دارالكتب العلمية.
- فراهیدی، خ. (بی.تا.). العين. (مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، محققان). دارالهلal.
- قرآن کریم. (۱۴۴۵ق.). توبه: ۱۷ و ۲۸. مجمع الملك الفهد.
- کاسانی، ا. (۱۴۰۶ق.). بدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع. دارالكتب العلمية.
- کاشف الغطاء، ج. (۱۴۲۲ق.). كشف الغطاء عن مبهمة الشريعة الغراء. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمية قم.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳ق.). بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی.
- محقق حلی، ج. (۱۴۰۸ق.). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. مؤسسة اسماعیلیان.
- مخلصی، ع. (۱۳۹۶). پژوهشی درباره ورود کفار به حرم امامان (ع). فصلنامه میقات حج، ۲۶ (۱۰۲)، ۶۲-۳۱.
- مرداوی، ع. (بی.تا.). الإنصاف. داراحیاء التراث العربی.
- مزنّی، ا. (۱۴۱۰ق.). مختصر المزنّی فی فروع الشافعية. دارالمعرفة.
- المعجم الوسيط (بی.تا.). مجمع اللغة العربية، دارالدعوة.



- معین، م. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. انتشارات ادنا.
- نجفی، م. (۱۴۰۴ق.). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. داراحیاء التراث العربی.
- نووی، ی. (بی تا.). المجموع شرح المہذب. دارالفکر.
- نووی، ی. (۱۴۱۲ق.). روضة الطالبین و عمدة المفتین. (زہیر الشاویش، محقق). المکتب الاسلامی.
- ہندی، ا. (۱۴۱۳ق.). احکام الحرب و السلام فی دولة اسلام. دارالنجد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی